

پس خدا را اطاعت نمایید و با ابلیس مقاومت کنید

¹از کجا در میان شما جنگها و از کجا نزاعها پدید می‌آید؟ آیا نه از لذتهای شما که در اعضای شما جنگ می‌کند؟² طمع می‌ورزید و ندارید؛ می‌کشید و حسد می‌نمایید و نمی‌توانید به چنگ آرید؛ و جنگ و جدال می‌کنید و ندارید، از این جهت که سؤال نمی‌کنید؛³ و سؤال می‌کنید و نمی‌یابید، از اینرو که به تبت بد سؤال می‌کنید، تا در لذات خود صرف نمایید.

⁴ای زانیات، آیا نمی‌دانید که دوستی دنیا، دشمنی خداست؟ پس هرکه می‌خواهد دوست دنیا باشد، دشمن خدا گردد.⁵ آیا گمان دارید که کتاب عیث می‌گوید: روحی که او را در ما ساکن کرده است، تا به غیرت بر ما اشتیاق دارد؟⁶ لیکن او فیض زیاده می‌بخشد. بنابراین می‌گوید: خدا متکبران را مخالفت می‌کند، اما فروتنان را فیض می‌بخشد.⁷ پس خدا را اطاعت نمایید و با ابلیس مقاومت کنید، تا از شما بگریزد.⁸ و به خدا تقرب جوید تا به شما نزدیکی نماید. دستهای خود را طاهر سازید، ای گناهکاران، و دلهای خود را پاک کنید، ای دودلان.⁹ خود را خوار سازید، و

ناله و گریه نمایید، و خنده شما به ماتم و خوشی شما به غم مبدل شود.¹⁰ در حضور خدا فروتنی کنید، تا شما را سرافراز فرماید.

¹¹ای برادران، یکدیگر را ناسزا مگویید، زیرا هرکه برادر خود را ناسزا گوید و بر او حکم کند، شریعت را ناسزا گفته و بر شریعت حکم کرده باشد. لکن اگر بر شریعت حکم کنی، عامل شریعت نیستی، بلکه داور هستی.¹² صاحب شریعت و داور، یکی است که بر رهانیدن و هلاک کردن قادر می‌باشد. پس تو کیستی که بر همسایه خود داوری می‌کنی؟

¹³هان، ای کسانی که می‌گویید: امروز و فردا به فلان شهر خواهیم رفت و در آنجا یک سال بسر خواهیم برد و تجارت خواهیم کرد و نفع خواهیم بُرد؛¹⁴ و حال آنکه نمی‌دانید که فردا چه می‌شود؛ از آنرو که حیات شما چیست؟ مگر بخاری نیستید که اندک زمانی طاهر است و بعد ناپدید می‌شود؟¹⁵ به عوض آنکه باید گفت که: اگر خدا بخواهد، زنده می‌مانیم و چنین و چنان می‌کنیم.¹⁶ اما الحال به عجب خود فخر می‌کنید و هر چنین فخر بد است.¹⁷ پس هرکه نیکویی کردن بداند و به عمل نیاورد، او را گناه است.